یادداشت

سازمان جنگل‌ها در حال تبدیل‌شدن به دشمن منابع طبیعی

رحیم ملک‌نیا
عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان

در هفته‌های اخیر فضای منابع طبیعی کشور تحت تأثیر مصاحبه معاونت جنگل سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور درباره ۱۱ هزار هکتار جنگل‌کاری در مراتع قرار گرفته است. اگرچه پس از مصاحبه، ابتدا با تصحیح خبر و تبدیل مرتع به منابع طبیعی و سپس با انتشار بیانیه‌ای تلاش شد به انتقادات مطرح‌شده در این زمینه واکنش نشان داده شود؛ اما تأملی بر موضوع نشان می‌دهد که سازمان در مدیریت عرصه‌های طبیعی تا چه میزان ضعیف، بی‌برنامه، بخشی‌نگر و فاقد نگاه علمی است. ناتوانی در پاسخ علمی و مستند به شبهات بیانگر این است که در مکان‌یابی عملیات جنگل‌کاری، مطالعه‌ای جامع صورت نگرفته و مانند گذشته براساس دستورات از بالا به پایین و تصمیمات دفتر مرکزی این پروژه انجام شده است. اعتراض بخش مرتع سازمان به این مسئله، ارائه‌ندادن مستندات از طرف دفتر مهندسی سازمان و ناتوانی معاونت جنگل و دفتر خارج از شمال برای تشریح روند تصمیم‌گیری در این زمینه، مؤید این ضعف‌هاست. درحالی‌که در صورت وجود یک روند علمی و سیستماتیک برای اجرای این پروژه، جواب‌گویی نیز به‌سرعت میسر بود؛ بااین‌حال مسئله اخیر تنها ضعف سازمان در مدیریت عرصه‌های طبیعی و به طور خاص جنگل‌ها نیست. برزخ بی‌برنامگی در جنگل‌های شمال، اختصاص عرصه‌های شکننده به توسعه باغات و به‌تازگی تلاش برای رسمیت‌بخشیدن به زراعت در زاگرس، آینده این منابع را با خطر مواجه کرده است. در موضوع شمال، با وجود برچیده‌شدن سازمان طرح‌های جنگل‌داری سابق، به صورت رسمی طرح جدیدی برای مدیریت این عرصه‌ها منتشر نشده است؛ هرچند پیش‌نویس طرح نیمه‌تفصیلی جدید نیز مطلبی تازه برای عرضه ندارد و در آن به مؤلفه‌های مدیریت پایدار توجهی مناسب نشده است. بی‌توجهی به طرح پایش برای بررسی پایداری کارکردها و سیستم مدیریت جنگل در کنار توجه ناکافی به مقوله آمایش جنگل باعث شده است که این طرح تفاوت چندانی با طرح‌های سابق نداشته باشد. همچنین فقدان نگاه جامع در تصمیمات کلان مانند طرح تنفس باعث شده است که در نبود ماده خام برای بخش چوب، در ابتدا زاگرس و با اندکی فاصله، ارسباران را مورد هجوم قرار دهد و زنجیره‌ای از کامیون‌های حامل چوب از این مناطق تشکیل شود. قطع درختان باغی، بیدهای مجاور رودخانه‌ها و حتی درختان جنگلی باعث نگرانی مردم و برخی مسئولان در این مناطق شده است که نگرانی ائمه جمعه و مردم، چه در شمال و چه در سایر مناطق، به‌خوبی نشان از ضعف برنامه‌ریزی و مبارزه جامع با قاچاق دارد. از سوی دیگر سازمان با سکوت در برابر تخریب منابع طبیعی بر اثر پروژه‌های مختلف توسعه و گاهی حمایت از طرح‌های مخرب مانند توسعه باغات در اراضی شیب‌دار یا تلاش برای رسمیت‌بخشیدن به زراعت در زیر آشکوب زاگرس، در حال کوبیدن آخرین میخ‌ها بر تابوت جسد نیمه‌جان جنگل و مرتع کشور است. زاگرس به‌عنوان مهم‌ترین منبع آب کشور، در سایه بی‌برنامگی سازمان و شجاعت‌نداشتن مدیران ارشد آن برای مقابله با طرح‌های توسعه در بخش کشاورزی و سایر بخش‌ها، در حال ازبین‌رفتن است. در درون سازمان، رقابت دو بخش جنگل و مرتع برای مدیریت مسائلی مانند گیاهان دارویی یا جذب منابع مالی نیز نشانه‌ای از نبود نگاه جامع در مدیریت عرصه‌های طبیعی است. گویا این رقابت نه ناشی از تلاش برای حفاظت از این عرصه‌ها؛ بلکه به دلایل سازمانی و نگاه بخشی در این مجموعه است.گرچه در زمان حاضر، عرصه‌های طبیعی کشور به ناحق در سیطره بخش کشاورزی قرار دارند و حفاظت از منابع طبیعی تحت تأثیر طرح‌های توسعه کشاورزی است؛ اما بخش‌های مختلف منابع طبیعی مانند مرتع و جنگل تحت مدیریت سازمانی واحد قرار دارد که این متولی یکسان باید باعث هماهنگی و هم‌افزایی برای مدیریت بهینه و نه محلی برای منازعات بخشی شود. نگاهی به مشکلات بیان‌شده نشان می‌دهد طرح‌های دستوری، تصمیمات از بالا به پایین، نبود اطمینان مدیران به نیروهای میدانی، بی‌توجهی به شرایط اجتماعی-اقتصادی در طرح‌ها و استفاده‌نکردن از روش‌های علمی در تصمیم‌گیری در حال اتلاف بودجه، نیروی کار و تخریب عرصه‌های طبیعی است. عملکرد مدیران سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری به گونه‌ای است که این سازمان در حال تبدیل‌شدن به بزرگ‌ترین دشمن منابع طبیعی کشور است.

عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران، رهاسازی شرکت‌های زیان‌ده را واکاوی کرد

ماراتن خصولتی‌ها در تصاحب سودده‌ها

لیلا مرگن: بخش کشاورزی با تمام کم‌وکاستی‌هایش هنوز هم بار اشتغال ایران را به دوش می‌کشد. بخشی که میزان ایجاد اشتغالش در مقایسه با صنعت بسیار کم است، در تمام برنامه‌ریزی‌ها به‌عنوان یکی از محورهای ایجاد اشتغال برای ساکنان روستاها مورد تأیید و حمایت قرار می‌گیرد. کشاورزی سنتی و معیشتی ایران، در حال درجازدن است، اما «حسن فروزانفرد»، عضو هیئت نمایندگان اتاق صنایع، معادن و کشاورزی تهران، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید این امکان وجود دارد تا با کمی اصلاحات و توجه به صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، زمینه حضور بیشتر بخش کشاورزی در اقتصاد ایران فراهم شود. این روزها که همه از خردشدن اراضی کشاورزی گله دارند، دولت هم با چراغ سبز وزارت جهاد کشاورزی دست روی کشت و صنعت‌ها که اراضی وسیع و اقتصادی دارند، گذاشته و قصد دارد در قالب خصوصی‌سازی این مجموعه‌ها را به دیگری واگذار کند. رفتاری که از نگاه این عضو هیئت نمایندگان اتاق، بیشتر شبیه رهاسازی است. فروزانفرد معتقد است در ایران قوانین خصوصی‌سازی به‌درستی رعایت نشده و کشت‌وصنعت‌های بزرگ، اگر درست مدیریت شوند، می‌توانند سهم مناسبی در صادرات کشاورزی ایران داشته باشند. مشروح گفت‌وگو با این عضو هیئت نمایندگان اتاق صنایع، معادن و کشاورزی تهران را در ادامه می‌خوانیم:

به نظر شما بخش کشاورزی با توجه به محدودیت‌های موجود در کشور می‌تواند در سبد صادراتی کشور نقش داشته باشد؟

بارها بر این نکته تأکید شده است که ما کشوری چهار فصل هستیم. این مسئله ظرفیتی را برای ما ایجاد می‌کند که بتوانیم تعهداتی را در سطح بین‌المللی برای تأمین برخی کالاها بپذیریم. ما حوزه‌هایی در کشور داریم که مستعد هستند و زمینه‌های اولیه تولید محصولات کشاورزی را دارند؛ اما اینکه سازوکارهای تولیدی و تجاری ما چقدر پشتیبان هستند، در این زمینه شرایط مناسب نیست. در ۲۰ تا ۳۰ سال اخیر ظرفیت‌های تولیدی حرفه‌ای خود را از دست داده‌ایم. بعد از اصلاحات ارضی مرتب اندازه زمین‌هایمان کوچک‌تر شده است. آنچه زمینه صادرات حرفه‌ای را فراهم می‌کند، تولید یکپارچه و گسترده است که از لحاظ کیفی و کمی توان پاسخ‌گویی به بازارهای جهانی را داشته باشد. ما با کوچک‌شدن زمین‌ها، استفاده غیرحرفه‌ای از منابع آبی و خاکی و توسعه‌نیافتگی فعالان عرصه کشاورزی مواجه هستیم. همه اینها ما را به یک کشاورزی معیشتی نزدیک کرده است.

ما در ایران با کم‌آبی روبه‌رو هستیم و طبق گفته شما زمین‌های کشاورزی در حال خردشدن است و در نتیجه کشاورزی معیشتی است. مجموع این شرایط نشان می‌دهد ما مزیت صادراتی در بخش کشاورزی نداریم. شما چگونه بر این باورید که می‌توان در این حوزه صادرات داشت؟

ما می‌توانیم با همکاری‌های تجاری و حرفه‌ای، زمینه مناسب را فراهم کنیم. به‌ویژه در حوزه تولیدات گلخانه‌ای می‌توانیم وارد عمل شویم. ما همچنان انرژی ارزان و آفتاب بلندمدت را داریم. در قالب مکانیسم گلخانه‌ای می‌توانیم تولید صادرات‌محور داشته باشیم. نمونه‌هایی درحال‌حاضر در کشور توسعه پیدا کرده‌اند و من از برخی از آنها بازدید داشتم. همه آنها ظرفیت‌های خوب صادراتی فراهم کرده‌اند.

بذرهای مورد استفاده در گلخانه‌ها وارداتی است و به‌دلیل تحریم‌ها امکان واردات بذر نداریم؛ بنابراین تولیدات گلخانه‌ای نیز با چالش روبه‌روست، چطور می‌توان روی گلخانه‌ها برای صادرات حساب باز کرد؟

مشکلاتی که برشمردید متأسفانه وجود دارد. همان‌طورکه خاطرتان هست نتوانستیم از ظرفیت بازار روسیه که به شکل برنامه‌ریزی‌نشده برای دوره‌ای به روی ما باز شد، به‌خوبی استفاده کنیم یا حتی وارد بازاری مثل قطر شویم. زیرا ما آماده عرضه محصولات خود در سطح بین‌المللی نیستیم و نمی‌توانیم تعهدات لازم در این زمینه را بپذیریم. تولید به مقدار مشخص، کیفیت مشخص و قابل تکرار از یک محصول نداریم و در این زمینه مشکل داریم. ما در برخی موارد ممکن است به‌قدری پرتقال و سیب تولید کنیم که مازاد آن دورریز شود، اما این محصول مازاد از واریته‌های مختلف است و به‌دلیل یکسان‌نبودن اندازه و کیفیت، امکان صادرات ندارد. با توجه به تفاوت کیفیت و شکل ظاهری محصولات تولیدشده در ایران، کسی نمی‌تواند برای صادرات این محصولات تعهد کند؛ با وجود اینکه ایران در زمینه تولید محصولات باغی جزء رده‌های بالای دنیاست. به‌همین‌دلیل مراودات ما محدود به برخی کشورهای همسایه مثل عراق و افغانستان می‌شود. حتی با کشورهای حوزه CIS هم نمی‌توانیم تعاملات حرفه‌ای داشته باشیم.

دلیل نداشتن تعاملات حرفه‌ای با دنیا چیست؟ آیا عدم صدور گواهی‌های بهداشتی توسط وزارت جهاد کشاورزی در این مسئله مؤثر است؟

مسائل مربوط به صدور گواهی‌های بهداشتی قابل حل است. موضوع اصلی نبود حجم مناسب و سطح کیفیت قابل مقایسه و قابل تکرار در محصولات کشاورزی است. ضمن آنکه تورم داخلی و نوسانات قیمت‌ها روی پذیرش تعهدات بلندمدت ایران تأثیرگذار است. این مشکلات فقط در حوزه صادرات محصولات کشاورزی دیده نمی‌شود. موضوع وقتی غم‌انگیز می‌شود که در حوزه تولیدات کالاهای صنایع تبدیلی کشاورزی هم شاهد برخی مشکلات هستیم. این همه کنسرو، مربا، ماکارونی و انواع محصولات در حوزه تبدیلی کشاورزی تولید می‌کنیم که از نظر عددی توان تولید ما بالاست اما از نظر کیفی شرایط مناسبی ندارد. زیرا این تولید بین چند هزار شرکت کوچک و متوسط توزیع شده است که کیفیت‌های متفاوتی دارند. بسته‌بندی متفاوتی دارند. بنابراین صادرکننده توان ارائه کالا در یک زمان مشخص به میزان مناسب را ندارد. واحدهای تولیدکننده این محصولات نیز تحت یک کنسرسیوم مشترک با هم همکاری نمی‌کنند. اغلب محصولات تبدیلی که صادر می‌کنیم، به مصرف ایرانی‌های مقیم خارج می‌رسند و کمتر توانسته‌ایم به بازار مصرف خارجی‌ها ورود کنیم. با وجود آنکه وقتی کالاهای ما توسط خارجی‌ها مصرف شده است، آنها از نظر کیفی رضایت دارند اما به دلیل کوچک‌بودن و تنوع واحدهای تولیدی امکان حضور در زنجیره‌های تأمین حرفه‌ای را نداریم.

این عدم ثبات در بازارهای صادراتی ناشی از تغییرات یکباره سیاست‌های دولت است؟

مهم‌تر از تغییر سیاست‌های دولت این است که ما نمی‌توانیم تصویری از یک آینده میان‌مدت در مقابل خود داشته باشیم. تعاملات ما در حوزه سیاسی و بین‌المللی اجازه نمی‌دهد که این تصویر شکل بگیرد. ما حتی یک تصویر دو تا سه ساله در حوزه صنعت تبدیلی و غذایی برای خود نداریم. ایران در حوزه صنایع تبدیلی قابلیت توسعه زیادی دارد و حداقل در منطقه می‌توانیم ظرفیت‌های صادراتی به‌وجود آوریم و تأمین‌کننده‌ای خوب و قابل اطمینان حداقل برای کشورهای منطقه باشیم. اما نیاز به سرمایه‌گذاری مشترک با انتقال تکنولوژی وجود دارد و بازارهایی هم باید در منطقه به ما داده شود. اگر ما بتوانیم با نمونه‌های اروپایی یا حتی آسیای شرقی پیشرفته کار کنیم و برندهای مشترک داشته باشیم، می‌توانیم به نتیجه مطلوب برسیم.

در شرایطی که ایران تحریم است، آیا می‌توانیم برند مشترک با دیگر کشورها داشته باشیم؟

همین‌جاست که باعث می‌شود نتوانیم تصویر بلندمدت ترسیم کنیم. وقتی شما ظرفیت لازم را دارید، ولی همراهی‌های بین‌المللی وجود ندارد، نمی‌توانید تولید خود را به حد مناسب ارتقا دهید و حتی وارد بازارهای آنها بشوید. چون آنها اجازه چنین وروی را به ما نمی‌دهند.

با وجود شرایط نامناسب برای صنایع تبدیلی کشاورزی چرا زعفران و پسته به‌طور مرتب صادر می‌شود و صدور آن دچار مشکلی نمی‌شود؟

عمده محصولات ما در این زمینه به صورت باز با سایز بزرگ و بدون برند صادر می‌شوند. این محصولات یا در کشورهای هدف فراوری می‌شود و در محصولات دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد یا مجدد بسته‌بندی می‌شود و با برند دیگری غیر از ایران در بازارها توزیع می‌شود. این محصولات تحت برند ایران صادر نمی‌شوند. ارزش‌افزوده محدودی هم به ایران می‌رسد. البته اقدامات خوبی هم در زمینه صادرات زعفران با برند ایران انجام شده اما حجم این صادرات در مقایسه با کل صادرات ایران ناچیز است.

گفتید برای توسعه بازار خارجی نیاز به کنسرسیوم داریم. به نظر شما تعاونی‌ها می‌توانند نقش این کنسرسیوم را در بخش کشاورزی بازی کنند؟

تاکنون که نتوانسته‌اند چنین نقشی را بازی کنند. به خاطر تنوع ذی‌نفعانی که در تعاونی‌ها به‌وجود می‌آید، توان مالی اعضا تأثیر مهمی بر حق رأی آنها در تعاونی‌ها ایجاد نمی‌کند. اگر اندازه اعضا کاملا با هم یکسان نباشد، حتما درگیری‌های مدیریتی در اداره تعاونی‌ها به‌وجود می‌آید. هر عضو تعاونی هر میزان زمینی که در اختیار داشته باشد، تنها یک حق رأی دارد و همین مسئله، زمینه را برای حاکمیت شرکتی و حرفه‌ای فراهم نمی‌کند. تعاونی‌ها بیشتر در حوزه تعاونی مصرف نظیر تعاونی مصرف برای خرده‌فروشی شهری یا در حوزه سم و کود و... موفق بوده‌اند.

یعنی تعاونی‌های تولید موفق نبوده‌اند؟

من تعداد زیادی مجموعه موفق و پیشرو از آنها سراغ ندارم. این به مفهوم آن نیست که اصلا موفق نبوده‌اند اما همین که توسعه نمی‌یابند و تعدادشان در این دوره‌ها افزایش نیافته است، نشان می‌دهد که عملکرد خوبی نداشته‌اند.

دو دسته تعاونی داریم؛ تعاونی‌های وابسته به وزارت جهاد کشاورزی و تعاونی‌های وابسته به وزارت تعاون. شاید رقابت این دو دسته تعاونی و حمایت‌های خاص وزارت جهاد کشاورزی از تعاونی‌های وابسته به این وزارتخانه، زمینه ایجاد اختلال در کارکردهای تعاونی را فراهم کرده باشد.

ممکن است این مسئله هم صحت داشته باشد. تخصص من در این حوزه نیست و شاید نتوانم اظهار نظر دقیقی داشته باشم، اما شکل‌گیری تعاونی‌ها دشوار است و تصمیم‌گیری در آن به‌راحتی اتفاق نمی‌افتد و شاید امکان تأمین متوازن منافع اعضا فراهم نباشد. گرچه ممکن است این ساختارها در نوع خود برای مقاطع زمانی خاص یا اعضای ویژه پاسخ‌گویی داشته باشد، تعاونی‌ها مختصات خود را دارد. در یک دهه گذشته ما صرفا واگذاری انجام داده‌ایم. در بازبینی اصل ۴۴ حرفی از خصوصی‌سازی در قانون زده نشده است، بلکه اجازه داده شده که دولت بخشی از اموال خود را به بخش عمومی غیردولتی، بخش خصوصی و تعاونی واگذار کند. خصوصی‌سازی به‌عنوان یک رویکرد در قانون ما نبوده است. ما سازمان خصوصی‌سازی تأسیس کردیم که وظیفه‌اش واگذاری و رهاسازی شرکت‌هایی بوده است که دولت توان اداره‌اش را نداشته یا علاقه‌ای به ادامه فعالیت با آن نداشته است. جاهایی که زمینه سودآوری داشته یا فرصت رانتی در آن وجود داشته است، واگذاری به بخش‌های خصولتی یا بخش‌های عمومی غیردولتی اتفاق افتاده است. واگذاری‌ها مربوط به جاهایی بوده که دولت را خسته کرده و زیان‌ده بوده است و آنچه رخ داده بیشتر به رهاسازی شبیه است. مهم‌ترین ابزار واگذاری، مذاکره است و باید اهلیت‌سنجی درستی برای طرف مذاکره اتفاق بیفتد. در خصوصی‌سازی این پیش‌فرض وجود دارد که مدیریت بخش خصوصی شایسته‌تر از بخش دولتی عمل کند. منظور فقط مالکیت نیست، اما واگذاری‌ها در ایران بر مالکیت تمرکز دارد. هدف‌گذاری خصوصی‌سازی روی اشتغال تولید و بالابردن کیفیت و افزایش حجم صادرات انجام می‌شود اما هدف‌گذاری واگذاری روی اندازه مبلغی است که از طریق آن به خزانه دولت باید واگذار شود. کاری که در حوزه کشاورزی در حال رخ‌دادن است، از جنس خصوصی‌سازی نیست. امکانات و منابع خیلی گسترده‌ای در داخل شرکت‌های کشت و صنعت وجود دارند که نحوه قیمت‌گذاری آنها ایراد دارد. هدف‌گذاری و تعهدات سازمان خصوصی‌سازی با طرف خریدار، هدف‌هایی از جنس خصوصی‌سازی نیست. بیشتر براساس مزایده کار کرده و بسیاری از روابط پیچیده را با یک منطق ریاضی خطی قیمت‌گذاری می‌کنند و درباره کیفیت از فرد تعهد نمی‌گیرند، بلکه تعهد برای بازپرداخت قیمت محصول گرفته می‌شود. در نمونه‌های موفق بین‌المللی خصوصی‌سازی، تلاش می‌شود که منابع مالی ابتدا از شرکت‌های دریافت نشود بلکه از این منابع مالی برای اصلاحات، توسعه و تغییر تکنولوژی استفاده شود بعد تعهد برای اندازه مشخص اشتغال، رشد تولید باکیفیت، صادرات از خریدار خدمات گرفته می‌شود تا در نهایت از طریق مالیات بر تجارت سودآوری که آنها می‌کنند، برای دولت منفعت‌سازی شود. این جنس رفتار با آنچه در ایران رایج است، کاملا متفاوت است.

خبر

فروش کارخانه ۱۰هزارمیلیاردی به ۷۰میلیارد تومان به یک بی‌سواد

احمد علیرضابیگی، نماینده مجلس در تشریح ابعاد جدید فساد در خصوصی‌سازی از فروش کارخانه ۱۰هزار میلیاردتومانی به قیمت ۷۰ میلیارد تومان به یک بی‌سواد و نقش‌آفرینی وزیر دولت اصلاحات در ماجرای حراج هپکو خبر داد.به گزارش تسنیم، ماجرای واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی که سازمان خصوصی‌سازی مسئولیت انجام آن را عهده‌دار بوده، با درز اطلاعاتی از نحوه واگذاری‌ها، خریداران و خصوصا قیمت فروش برخی شرکت‌ها و کارخانه‌های بزرگ که برخی از آنها جزء صنایع منحصربه‌فرد کشور بوده‌اند، به نقطه حساسی رسیده و اطلاعات منتشرشده از این واگذاری‌ها ابهامات بسیاری را برای مردم، کارشناسان اقتصادی و نمایندگان مجلس ایجاد کرده است؛ ابهاماتی که نشان‌دهنده حیف‌ومیل برخی اموال دولتی در جریان این واگذاری‌هاست.احمد علیرضابیگی، استاندار اسبق آذربایجان شرقی و نماینده مردم تبریز، اسکو و آذرشهر در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، با تشریح برخی از جزئیات این واگذاری‌ها که در یک بازه زمانی بیش از یک‌دهه‌ای رخ داده است، پرده از مشکلاتی برمی‌دارد که معتقد است می‌تواند به عنوان یک سناریوی از پیش طراحی‌شده، بررسی شود؛ مسائلی که بروز آن در این ابعاد و نادیده‌گرفتنش در بیش از یک دهه گذشته، حکایت از ضعف شدید دستگاه‌های اطلاعاتی و سازمان‌های عریض‌وطویل نظارتی دارد.

دولت اقساط «ساچه» ایتالیا را داد تا آبرویش نرود

احمد توکلی با انتقاد از نحوه قیمت‌گذاری آلومینیوم المهدی و هرمزال، جزئیاتی از عدم اجرای تعهدات خریدار این مجتمع را تشریح کرد و گفت: دولت مجبور شد برای حفظ آبروی کشور، به‌جای خریدار این مجتمع، اقساط «ساچه» ایتالیا را پرداخت کند.احمد توکلی در گفت‌وگو با تسنیم، با انتقاد از نحوه واگذاری آلومینیوم المهدی و هرمزال در قالب واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی توسط سازمان خصوصی‌سازی اظهار کرد: مهم‌ترین مسئله در این واگذاری، طرز و نحوه قیمت‌گذاری بزرگ‌ترین مجتمع تولید آلومینیوم در کشور است که بیش از ۵۰ درصد آلومینیوم کشور را تولید می‌کند.